

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

خلاصه مباحث گذشته

مرحوم میرزای قمی فرمود: طبق قول به اعم و برای تصویر قدر جامع می توان گفت: لفظ صلاة برای ارکان نماز صحیح یا فاسد وضع شده است اعم از این که سایر اجزاء موجود باشند یا موجود نباشند.

مرحوم نائینی در اشکال فرمود: معقول نیست بگوئیم اجزاء و شرایط در هنگام وجود داخل در مسمی هستند اما در هنگام عدم وجود داخل در مسمی نیستند چرا که نمی توان گفت چیزی که مقوم برای یک ماهیت است اگر باشد مقوم است و اگر نباشد مقوم نیست.

مرحوم خوئی در اشکال به مرحوم نائینی فرمود: مرحوم نائینی میان مرکبات حقیقی و اعتباری دچار خلط شده است؛ به این بیان که کلام ایشان در مرکبات حقیقی تمام است یعنی در مورد مرکب حقیقی که دارای جنس و فصل و اجزاء حقیقی است نمی توان گفت اگر جزء موجود بود مقوم آن است و اگر موجود نبود مقوم آن نیست.

اما در مرکبات اعتباری از آن جا که امر و زمامش در اختیار معتبر است این مسئله مواجه با اشکال نیست چرا که این امکان وجود دارد معتبر اعتبار کند چیزی عند الوجود دخیل باشد و همان چیز عند العدم دخیل نباشد.

ایشان در ادامه مطلبی را بیان نموده اند که نظیر آن در کلمات مرحوم امام نیز وجود داشت. ایشان می فرماید: واضع گاهی مرکبات اعتباری را هم از جانب قلت و هم از جانب کثرت مانند اعداد محدود می کند. اما گاهی مرکبات اعتباری تنها از ناحیه قلت محدود هستند یعنی می فرماید: هر چند در ناحیه قلت باید فلان مقدار باشد اما مهم نیست زائد بر آن جزء دیگری باشد یا نباشد که نماز نیز از این قبیل است.

مثال های دیگر برای محدودیت از جانب قلت

ایشان امثله زیادی را در مورد محدودیت از جانب قلت ذکر نموده اند؛ مثلاً می فرماید: واضع می تواند بگوید «دار» جایی است که مرکب از دیوار، حیات و غرفه باشد خواه سرداب داشته باشد یا نداشته باشد. در این مثال سرداب جزء دار است اما اگر موجود نباشد مخلّ به دار نیست.

یا مثلاً به قبا چه با آستر و چه بدون آن قبا گفته می شود. یا اگر بگوئیم کلمه چیزی است که حداقل دو حرف داشته باشد دیگر تفاوتی ندارد که زائد بر آن حروف دیگری داشته باشد یا نداشته باشد. در تمامی این امثله حدود و ثغور به دست اعتبار کننده

است و لذا باید دید معتبر چه چیز را اعتبار نموده است. کما این که در مورد لفظ صلاة نیز شارع مقدس ارکان را در نظر گرفته و لفظ صلاة را برای ارکان وضع کرده است. اما اگر زائد بر ارکان جزئی وجود داشت داخل در نماز است و اگر هم موجود نبود محل به صدق صلاة نیست.

ادامه بیان کلام مرحوم محقق خوئی در بررسی کلام مرحوم محقق نائینی

مستشکل به مرحوم نائینی عرض کرد همان حرفی که در مسئله تشکیک بیان می شود در مورد مانحن فیه که جزء عند الوجود داخل در مسمی و حقیقت و عند العدم خارج از مسمی نیز می توان ذکر نمود. مرحوم نائینی در فوائد الاصول فرمود: تشکیک تنها در وجود و ماهیات بسیطه جریان دارد.

طبق نقل مرحوم خوئی در اجود التقريرات از مرحوم نائینی ایشان فرموده است: تشکیک به سبب برهان و استدلال قابل بیان نیست و لذا معنای آن مفهوم و قابل تعقل نیست. تشکیک تنها از راه کشف و مجاهده برای انسان قابل دریافت می باشد.

مرحوم خوئی در اشکال به مرحوم نائینی می فرماید: مانحن فیه هیچ ارتباطی به مسئله تشکیک نداشته و مبتنی بر پذیرش یا رد نظریه فلاسفه در باب تشکیک نیست، اعم از این که تشکیک در وجود و ماهیت را پذیرفته یا رد نمائیم؛ چون بحث در مرکب اعتباری می باشد و مرکب اعتباری نه از مقوله وجود و نه از مقوله ماهیت است.

البته مرکب اعتباری که در اختیار اعتبار کننده است و اعتبار کننده می گوید اگر جزء اضافه آمد دخیل است و اگر نیامد دخیل نیست، با کلام مرحوم اصفهانی که پیش از این ذکر شد و ایشان شق سوم از تشکیک به نام تشکیک در مفاهیم را ذکر نمود تفاوت دارد.

مرحوم خوئی در ادامه می فرماید: این که مرحوم نائینی می فرماید: تشکیک در وجود به سبب برهان و استدلال قابل فهم برای ما نیست و آن را باید با مکاشفه متوجه شویم واضح الفساد است. به نظر ما نیز حق با مرحوم خوئی است چرا که در فلسفه مسئله تشکیک در وجود را با استدلال و برهان حل می کنند نه با کشف و مکاشفه.

بررسی اشکال دوم مرحوم محقق نائینی توسط مرحوم محقق خوئی

مرحوم نائینی در اشکال دوم به مرحوم میرزای قمی فرمود: ارکان به حسب اختلاف اشخاص مختلف است؛ به این بیان که ارکان نماز در مورد شخص سالم و مختار با ارکان نماز در مورد شخص مریض و عاجز تفاوت دارد و چه بسا در مواردی اشاره، بدل از یک رکن قرار بگیرد. لذا طبق بیان شما لازم است میان ارکان مذکور قدر جامعی فرض نمائید در حالی که شما با ذکر این مبنا درصدد بیان قدر جامع بودید.

مرحوم خوئی ابتدا می فرماید: با توجه به اشکال قبل که مسئله را مرتبط با مرکب اعتباری نمودیم جواب از این اشکال نیز روشن می شود؛ به این بیان که لفظ صلاة برای معنایی که جامع تمام مراتب ارکان نماز با توجه به اختلاف آن ها از لحاظ کم و کیف می باشد وضع شده است و لذا معنائی وسیع دارد.

ایشان در ادامه می فرماید: تصویر قدر جامع میان مراتب متفاوت لزومی ندارد چرا که لفظ صلاة برای ارکان به صورت علی البدل وضع شده است به این معنا که لفظ صلاة برای هر چه در نماز شخص سالم یا مریض به آن رکن اطلاق می شود وضع شده است اما به صورت علی البدل. پس مقصود مرحوم میرزای قمی این است که در هر مورد به هر چه که رکن اطلاق شد

همان موضوع له لفظ صلاة خواهد بود اما به صورت علی البدل.

در ادامه مستشکل می‌گوید: چگونه امکان دارد امری اعتباری چنین موضوع‌له‌ی داشته باشد؟! ایشان در پاسخ می‌فرماید: «لامانع من أن يكون مقوم المركب الاعتباري أحد الامور على سبيل البدل»^[1]

بررسی کلام مرحوم محقق خوئی

اولاً مرحوم خوئی نفرمود آن معنای جامعی که صلاة برای آن وضع شده‌است چیست؟! ثانیاً در کلام ایشان تهافت واضحی به چشم می‌خورد چرا که ایشان از یک طرف می‌فرماید: یک معنا و قدر جامع میان تمام مراتب ارکان در نماز صحیح و فاسد وجود دارد.

اما از طرف دیگر از کلام ایشان چنین استفاده می‌شود که به نظر ایشان نیاز به قدر مشترک نداریم چرا که به نظر ایشان لفظ صلاة برای ارکان نماز به صورت علی البدل وضع شده‌است و معنای تعبیر مذکور این است که قدر جامعی در کار نباشد؛ به این بیان که افراد مختلف می‌توانند به عنوان رکن واقع شوند کما این‌که ارکان در نماز صحیح و عاجز با یک‌دیگر تفاوت دارد.

به عبارت دیگر اگر ارکان یک مصداق معین، مشخص و بدون تغییر داشت کلام ایشان صحیح بود و می‌گفتیم لفظ صلاة برای این ارکان وضع شده‌است. اما طبق بیان مذکور مسلماً در نماز مختار و عاجز دو گونه رکن وجود دارد و معلوم نیست لفظ صلاة برای کدام یک از این‌ها وضع شده‌است.

ثالثاً این بیان به هیچ وجه از کلمات مرحوم میرزای قمی قابل برداشت نیست و ایشان مسئله علی سبیل البدلیة را مطرح نکرده‌اند. مگر این‌که بگوئیم این بیان نظر خود مرحوم خوئی است که به این صورت به آن پر و بال داده‌اند. رابعاً این بیان واقعاً خلاف ارتکاز عرف است.

بررسی اشکال مرحوم آخوند توسط مرحوم محقق خوئی

مرحوم خوئی در ادامه اشکال مرحوم آخوند نسبت به کلام مرحوم میرزا را مطرح نموده و می‌فرماید: با توجه به مطالبی که ذکر نمودیم فساد کلام ایشان نیز روشن می‌شود.

اشکال مرحوم آخوند دو محور داشت: الف- اگر موضوع له ارکان باشد، جامع و مانع نبوده و عکس و طرد ندارد چرا که گاهی اوقات جزئی از ارکان مذکور موجود نیست اما در عین حال صدق صلاة وجود دارد و در مقابل گاهی اوقات تمام ارکان موجود است و باقی اجزاء را عمداً نمی‌آوریم و صدق صلاة وجود ندارد.

ب- موضوع‌له قرار گرفتن ارکان منجر می‌شود که استعمال لفظ صلاة در موردی که شخص ارکان، اجزاء و شرایط نماز را می‌آورد مجاز باشد.

مرحوم خوئی در مقام اشکال می‌فرماید: گاهی اوقات حتی بر ارکان عنوان صحیح اطلاق می‌شود پس چرا می‌گوئید طبق قول اعمی‌ها لفظ صلاة بر ارکان صادق نیست؟! لذا در نماز فاسد اگر ارکان آمد اما بقیه اجزاء و شرائط نیامد صدق عنوان صلاة وجود دارد. به این جهت است که اگر تمام ارکان مانند قبله، وقت، طهور و... را آورد اما باقی اجزاء و شرائط را فراموش کرد تمام فقها حکم به صحت نماز این شخص می‌کنند.

اولاً روشن نیست اشکال کلام مرحوم آخوند با توجه به مطالب سابق چیست. ثانیاً کلام مرحوم آخوند ناظر به موردی است که شخص ارکان را می‌آورد اما سایر اجزاء و شرائط را عمداً ترک می‌کند. پس اشکال مرحوم خوئی ارتباطی به کلام ایشان ندارد.

ثالثاً مرحوم آخوند در مقابل کلام مرحوم میرزا دو مورد نقض آورده و فرمود: اگر شخصی تمام ارکان به جز قیام متصل به رکوع را آورد باز هم صدق صلاة بر آن عمل وجود دارد. مرحوم خوئی می‌فرماید: بطلان این مطلب روشن است در حالی که به نظر ما این موارد نقض وارد است و علت بطلان آن مشخص نیست. رابعاً در کلمات مرحوم خوئی اضطراب فراوانی به چشم می‌خورد که شاید از ناحیه مقرر باشد.^[2]

بررسی طریقه اول (مرحوم میرزای قمی)

به نظر ما اشکال نظریه مرحوم میرزای قمی این است که در هنگام استعمال لفظ صلاة هیچ‌گاه به ذهن عرف ارکان و حتی اجزاء رئیسه خطور نمی‌کند. ارکان اصطلاحی است که فقها در فقه مورد استفاده قرار داده و می‌دانند چه چیزی رکن است و چه چیزی رکن نیست. عرف نماز را مجموع مواد و هیئت می‌داند.

و صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

[1]. «وعلى ضوء ذلك قد ظهر الجواب عن الإيراد الثاني أيضاً: فإن لفظ الصلاة موضوع لمعنى وسيع جامع لجميع مراتب الأركان على اختلافها كمّاً وكيفاً، وله عرض عريض، فباعتباره يصدق على الناقص والتام والقليل والكثير على نحو واحد كصدق كلمة الدار على جميع أفرادها المختلفة زيادة ونقصه كمّاً وكيفاً. إذن لا نحتاج إلى تصوير جامع بين الأركان ليعود الإشكال. وبتعبير واضح: أن الأركان وإن كانت تختلف باختلاف حالات المكلفين كما أفاده شيخنا الاستاذ (قدس سره) إلا أنه لا يضر بما ذكرناه من أن لفظ الصلاة موضوع بازاء الأركان بعرضها العريض، ولا يوجب علينا تصوير جامع بين مراتبها المتفاوتة فإنه موضوع لها كذلك على سبيل البدل، وقد عرفت أنه لا مانع من أن يكون مقوم المركب الاعتباري أحد الامور على سبيل البدل. ومن ذلك يتبين: أن ما ذكرناه غير مبني على جواز التشكيك في الماهية أو في الوجود، فإنه سواء قلنا به في الماهية أو الوجود أم لم نقل فما ذكرناه أمر على طبق المرتكزات العرفية في أكثر المركبات الاعتبارية. وأما ما أفاده (قدس سره) من أن إدراك التشكيك في الوجود أمر فوق إدراك البشر فلا يعلم إلا بالكشف والمجاهدة، ففساده غني عن البيان، كما لا يخفى على أهله.» محاضرات في أصول الفقه (طبع مؤسسة احياء آثار السيد الخوئي)، ج 1، ص: 184 و 185.

[2]. مرحوم والد ما تقریرات صلاة مرحوم بروجردی را که در سه جلد چاپ شده از سن 19 سالگی تا 24 سالگی نوشته و با کمک ایشان و در زمان حیات‌شان به چاپ رساندند. در حال حاضر برخی بزرگان که خارج صلاة می‌گویند همه به این کتاب مراجعه می‌کنند. در زمان حیات مرحوم والدما خدمت استاد بزرگوارمان آیت الله العظمی وحید دام ظلّه بودم و ایشان بحث صلاة را می‌گفتند. ایشان فرمودند: من گاهی اوقات مطالبی را از مرحوم بروجردی و از کتاب والد شما نقل و اشکال می‌کنم. بعد از درس بعضی از این اصحاب درس می‌گویند لعل مقرر اشتباه کرده باشد. ایشان فرمود: من به این آقایان می‌گویم من در حق این مقرر احتمال اشتباه هم نمی‌دهم. ان شاءالله خداوند به ایشان طول عمر بدهد و مرحوم والد ما و مرحوم خوئی را رحمت کند. ما اگر دو کلمه هم می‌گوئیم که این فرمایش تمام است یا تمام نیست، یک ذره‌ای هستیم در مقابل مرحوم خوئی و مرحوم نائینی. یک وقت ما را خیال بر ندارد که ما هم در عرض آقای خوئی شدیم. ما کجا و اینها کجا. این مطالب را از خود اینها یاد گرفتیم. بیان اشکال سبب می‌شود مطرح پروانده شود. در هر صورت خدا نکند یک وقتی این اشکالات برای ما غرور

